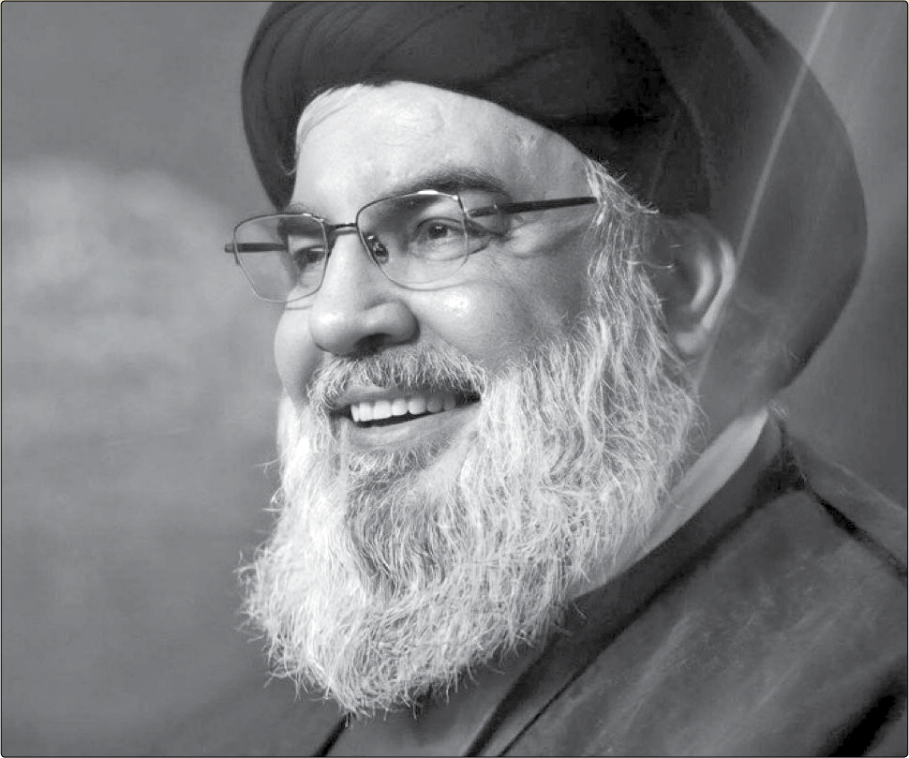


یک سال پس از شهادت سید مقاومت؛ رسانه‌های جهان از میراث شهید نصرالله در لبنان چه گفتند؟

از «صدای عداکت» تا «رهبر ماندگار»



سید مقاومت با نام «معمار تبدیل حزب‌الله به قدرت منطقه‌ای» یاد کردند. تأکید بر رشد نظامی، گسترده‌گی قدرت منطقه‌ای و توانایی راهبری در جنگ‌ها و مقابلات منطقه‌ای محوره‌ای توصیفات این ۲ رسانه از شخصیت و عملکرد سیدحسین نصرالله بود.

نشریه لوموند فرانسه نیز او را نماد مقاومت در منطقه دانست. لوموند در گزارش خود، همچنین از حزب‌الله با عنوان نهادهی یاد کرد که بار خدمات اجتماعی به مردم لبنان را نیز بر دوش می کشد.

لوموند با نگاهی اجتماعی – سیاسی به واکنش مردم لبنان و فلسطین، جایگاه عاطفی و نمادین نصرالله را برجسته کرد. این روزنامه تأکید کرد محبوبیت او صرفاً به خاطر توان نظامی حزب‌الله نبود، بلکه به دلیل نوعی همدلی اجتماعی و فرهنگی با ارمان فلسطین شکل گرفته بود. این نشریه همچنین تأکید کرد: «نصرالله برای بسیاری از لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها صدای عدالت و نماد مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ بود.

واشنگتن‌پست نیز در گزارشی تحلیلی، دوگانگی نگاه به سید مقاومت را بررسی و این دوگانه را چنین توصیف کرد: «دشمنی شدید غرب در مقابل احترام و محبوبیت

فرزانه دانایی: یک سال از شهادت سیدحسین نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، گذشت؛ شخصیتی که نام او با مقاومت در برابر اشغالگری و دفاع از مردم لبنان و فلسطین گره خورده و در نهایت به یکی از شهدای برجسته جبهه مقاومت تبدیل شد. در این یک سال، تحولات متعددی در جغرافیای غرب آسیا رخ داده و آینده محور مقاومت بیش از پیش در کانون تحلیل‌ها، رایزنی‌ها و مجادلات فکری قرار گرفته‌است. اگرچه در رسانه‌های منطقه بارها دربارۀ ادامه راه شهدای مقاومت – از جمله سیدحسین نصرالله و شهدای غزه – سخن گفته شده اما آنچه در این مدت جلب توجه می‌کند، واکنش رسانه‌های غرب نسبت به این شهادت است؛ واکنش‌هایی که همواره مطابق با روایت مطلوب صهیونیست‌ها و ایالات متحده نبوده است. در حالی که دولت آمریکا و متحدان غربی‌اش همصدا با تل‌اوئو تلاش کرده‌اند محور مقاومت را با برچسب «تروریسم» معرفی کرده و هم‌زمان اعتراضات علیه نسل‌کشی در غزه را سرکوب کنند، بخش قابل توجهی از رسانه‌های غرب در مواجهه با شخصیت نصرالله از توصیفاتی بهره بردند که بار معنایی مثبت داشت. آنان به‌رغم فشارهای سیاسی، در بسیاری موارد بر ویژگی‌های کارزماتیک، توان مدیریت و جایگاه بی‌بدیل او در معادلات منطقه‌ای تأکید کرده‌اند.

این روایت رسانه‌ای نشان می‌دهد تصویر نصرالله در عرصه عمومی فراتر از چیزی است که دشمنانش می‌خواستند القا کنند. در واقع، در سطح رسانه‌ای نیز تلاشی برای برجسته‌سازی وجوه انسانی و تاریخی شخصیت او شد. علاوه بر این، بسیاری از تحلیل‌ها بر این باورند برخلاف ادعاهای مکرر صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها مبنی بر تضعیف یا نابودی حزب‌الله لبنان، این جریان نه‌تنها از میان نرفته، بلکه همچنان یکی از نیروهای تعیین‌کننده در معادلات امنیتی و سیاسی منطقه به شمار می‌رود.

اما رسانه‌های دنیا درباره شخصیت سیدحسین نصرالله چه گفتند و چگونه او را توصیف کردند.

«چهره‌ای کارزماتیک و زیرک»: بسیاری از رسانه‌های غرب بعد از شهادت سیدحسین نصرالله، او را رهبر کارزماتیک و سیاست‌ورز زیرکی توصیف کردند که توان القای ایدئولوژی و سیج اجتماعی داشت. نشریه انگلیسی گاردین در این باره نوشت: «شخصیت کارزماتیک، زیرکی سیاسی و رهبری سیدحسین نصرالله در طول ۳ دهه، جامعه شیعه لبنان را به کارگزاران قدرت در بیروت تبدیل کرد». رویترز نیز در همین زمینه با اشاره به سخنرانی‌های آتشین و نطق‌های پرقدرت سیدحسین نصرالله نوشت: «نصرالله لبنان، حزب‌الله را به قدرت منطقه‌ای تبدیل کرد. او حتی توسط دشمنانش هم به عنوان سخنرانی ماهر شناخته می‌شد».

خبرگزاری آسوشیتدپرس و شبکه سی‌ان‌ان نیز از



ادامه از صفحه اول
سیدحسین نصرالله، یک عالم شیعه، یک روزنه میدان‌شناس، یک سیاستمدار مسلط و رهبری خلیط و آزنده به مصداق:
«آب دریا را اگر نتوان چشید هم به قدر تشنگی باید چشید»

به اندازه پیاله کوچک این یادداشت، نمی از آن دریا برمی‌داریم. ادعای «بازخوانی» الهیات جنگ سیدحسین نصرالله، بسیار گزاف‌تر از این مجال است، پس این یادداشت و این قیاس و تمام بازخوانی‌های بعد، تنها پا نهادن در میان یک در و تلاش برای باز نگه داشتن سویه‌ای برای نگاه متفاوت به مقام شهید نصرالله است.

■ دریا دریا خون؛ همه برای صهیون
الهیات جنگ در یهود، با آنکه به تبعیت از کلیت ساختار الهیاتی این دین، پیچیده است اما در نهایت در بحث از جنگ، با کمی اغماض، بسادگی می‌توان کلیت این شبکه پیچیده از مضامین احکام را «دریای خون» نامید عهد عتیق، یک دریای پهنوار از خون‌ریزی و قتل سبعمه هلاکوها و جنگیزهایی است که لقلب پیروی از پیامبر الهی را به دوش می‌کشند و افتخارشان قتل عام یا ریشه کن کردن کامل یک روستا یا سرزمین است.

به عقیده صهیونیست‌ها پیامبران عهد عتیق، از یوشع تا موسی، در بهترین حالت، شمشیرهای دویایی هستند که به دستور خدای سخت‌گیر، کینه‌جو و بسیار عیوس عهد عتیق، سرزمین به سرزمین را شخم می‌زنند. دلستان تحریف‌شده این خون‌ریزی‌های دیوانه‌وار این به اصطلاح انبیا در عهد عتیق، فراوان نقل شده است؛ در باره‌ای از موارد که چنان این دلستان‌ها به یکدیگر شباهت داشتند که راوی برای صرف‌جویی در وقت و کاستن از میزان حجم خوبی که در کتاب قابلیت حمل شدن دارد، تنها به گفتن جملاتی مانند با این سرزمین هم چنان کرد که با سرزمین پیشین، بسادگی کرده است. پیش از این همه بحث، ذکر این نکته مهم می‌نماید که موضع این قلم در رابطه با تورات، نه موضع پژوهشگری میان‌رشته‌ای در بررسی ادیان که موضع مسلمان معتقد به تحریف‌شدن تورات است و آنچه را در قرآن به عنوان تصور این متن بیان شده است، معیار اصلی مواجهه با متن عهدین می‌داند.

تمرکز این نوشتار بر دستوری شرعی در عهد عتیق با عنوان «حرام» اعلام کردن در جنگ است و فقراتی که در ادامه نقل می‌شود، بیشتر تصدیق‌کننده این دستور است. مفهوم «حرم» (Haram) که به معنی «حرام اعلام کردن» است، در عهد عتیق به وضعیتی اشاره دارد که بر اساس آن، بنی‌اسرائیل در جهت پاکسازی سرزمین‌هایی که به اعتقاد آنان، سرزمین مقدس نامیده می‌شود، وارد جنگ می‌شوند و بر اساس آن، جز غنائم که به یهو تعلق دارد و دست‌درازی به آنان مستوجب کیفر است، تمام زنان، مردان، کودکان و هر موجود زنده‌ای که در آن سرزمین سکونت دارد، باید از دم تیغ بگذرد.

در عهد عتیق، یهوه بارها و بارها به پیامبران خود دستور می‌دهد شهری «حرام» اعلام شود. بیشتر این دستورات، در سفر تثنیه عهد عتیق و کتاب یوشع نیی وجود دارد. دستور حرام اعلام کردن در عهد عتیق و تفساسیری در رابطه با آن در تلمود بابلی، به گونه‌ای شدید و خشن است که یهودیان عصر حاضر بارها تلاش کردند راهی برای هم‌رویی این ایده با غیرمنصفانه‌ای، بی‌قورانه‌دا، بدیهی است روش مدیریت جنگ سیدحسین و الهیاتی که او مستظهر به آن رزم می‌کرد، در برابر جنگ یهود صهیونیست، قیاس نور و ظلمت است اما استفاده از قیاس، از جمله روش‌هایی است که به صورتی کارآمدتر، می‌تواند تفاوت در ابعاد بسیار زیاد را برای ذهن، معنادارتر کند، اگر نه که وجود جناب‌شان، با چشم‌پوشی از قرار گرفتن در هر مقام قیاسی، ایت حقایقیت بود.

در سطور پیش رو چه خواهیم خواند؟ پاسخ به این سوال،

برای درک مسیری که این یادداشت در جهت آن پیش خواهد رفت، ضروری است. در مجال چند صد کلمه پیش رو، تلاش می‌شود نمایی از آنچه «الهیات خونین صهیونیسم» شاید بهترین تعبیر برای توصیف آن باشد، به دست داده شود. در چنین تلاش‌هایی، رجوع مستقیم به متون مقدسی که عمل باورمندان بر اساس آن سمت و سو پیدا می‌کند، نخستین گام است. بنابراین در تلاش برای به دست دادن تصویری از الهیات جنگ در صهیونیسم، ناگزیر به متن مقدس مورد مناقشه، یعنی عهد عتیق رجوع می‌کنیم. ادبیات عهد عتیق، به عنوان راهنمای عملی و پشتوانه فکری صهیونیسم چنان شفاف است که نگارنده، در این مقام، تنها به عنوان جمع‌آورنده فقراتی پرانکه ظاهر می‌شود و یقین دارد شفافیت سطور نقل شده از عهد عتیق چنان است که کمترین میزان مداخله تحلیلی را طلب می‌کند.

سلوک جنگ نصرالله

اخلاقیات دنیای جدید بیابند که محل بحث مادر این یادداشت نیست. در این متن، با نقل این فقرات تلاش می‌کنیم نشان دهیم چنان الهیاتی، حتماً و یقیناً چنین نسل‌کشی‌ای را که امروز در غزه و لبنان صورت می‌پذیرد، می‌طلبد.

در سفر تثنیه، موسی در جریان فتح سیحون، در حال خطابه است، او می‌گوید: «سیحون با تمام قوم خود در یاهص به مقبله ما آمد تا با ما نبرد کند. یهوه خدای‌مان او را تسلیم ما کرد و وی را با پسران و همه قومش شکست دادیم. جمله شهرهای او را گرفتیم و در تمام آن شهرها مردان متاهل و زنان و کودکان را حرام خواندیم و کس را امان گریختن ندادیم؛ جز احشام که غنیمت ما بود، یا پیمله‌های شهرهایی که گرفته شدند». در کتاب یوشع نیی، خونبارترین بخش عهد عتیق را می‌توان مطالعه کرد. یوشع نیی بر اساس عهد عتیق جاشین موسی و موظف است «هر مکانی که کتب پای شما ایمنی اسرائیل ابر آن نهاده شده است»، تحت رهبری یوشع به آنان بازگرداند. فتوحات یوشع نیی در عهد عتیق با ماجرای فتح اریحا آغاز می‌شود. پس از ذکر ماجراه‌ای بسیار از جاسوسان یوشع و شکل آغاز نبرد، بنی‌اسرائیل بالاخره وارد اریحا می‌شود: «قوم آن نهاده شده است»، تحت رهبری یوشع به آنان بازگرداند. فتوحات یوشع نیی در عهد عتیق با ماجرای فتح اریحا آغاز می‌شود. پس از ذکر ماجراه‌ای بسیار از جاسوسان یوشع و شکل آغاز نبرد، بنی‌اسرائیل بالاخره وارد اریحا می‌شود: «قوم آن نهاده شده است»، تحت رهبری یوشع به آنان بازگرداند. فتوحات یوشع نیی در عهد عتیق با ماجرای فتح اریحا آغاز می‌شود. پس از ذکر ماجراه‌ای بسیار از جاسوسان یوشع و شکل آغاز نبرد، بنی‌اسرائیل بالاخره وارد اریحا می‌شود: «قوم آن نهاده شده است»، تحت رهبری یوشع به آنان بازگرداند. فتوحات یوشع نیی در عهد عتیق با ماجرای فتح اریحا آغاز می‌شود.

فروریخت و بی‌درنگ قوم به سوی شهر برآمدند، هر کس پیشاروی خویش و شهر را تصرف کردند. هر آنچه را در شهر بود حرام خواندند از مردان و زنان و جوانان و پیران تا گاووان و گوسفندان و الاغان و آنها را از دم تیغ گذراندند. شهر و هر آنچه را در خود داشت به آتش کشیدند جز سیم و زر و اشیای مرغیان و اهتین که آنها را تسلیم خزانه خانه یهُو کردند». ماجرای کشتار این یوشع نیی به همین نقطه ختم نمی‌شود و بعد از اریحا، او دستور به فتح شهر «عی» می‌گیرد. توصیف عهد عتیق از این فتح حیرت‌انگیز است: «چون اسرائیل کشتن تمام ساکنان عی را در دشت و صحرایی که در آن ایشان را پی کرده بودند، به پایان رساند و جمعلتی تا آخرین تن از دم تیغ گذشتند، تمام اسرائیل به عی بازگشتند و جمعیت آن را از دم تیغ گذراندند. تمام آنان که در آن روز به هلاکت رسیدند، از مرد و زن ۱۲ هزار تن بودند. جمله مردم عی». همان روز، نوبت به شهر دیگری به نام مقیده می‌رسد: «همان روز یوشع مقیده را تصرف کرد و آن را با پادشاهش از دم تیغ گذراند: آنان را با هر آنچه از زندگان که آنجا بودند، حرام خواند و بازمانده‌ای باقی نگذاشت».

از دیگر ماجراه‌ای حیرت‌انگیز عهد عتیق، کینه‌جویی خدای عهد عتیق برای نسل‌کشی است که تفصیل آن در کتاب سموئیل و خروج آمده است. خداوند در آنجا به موسی هشدار می‌دهد نام عمالیک را به خاطر بسپارد، چون قومی است که بنی‌اسرائیل باید آنان را تماماً بکشد.

ماجرای این دستورات، منحصر به عهد عتیق نیست، بلکه در تلمود هم می‌توان حجم زیادی از این دستورات را یافت؛ دستوراتی که بر اساس آن بنی‌اسرائیل می‌تواند حتی با ایجاد قطعی برای دشمنان، آنان را به تسلیم وادار کند. در رساله‌های متغول تلمود بابلی، می‌توان این دستورات را یافت. سده‌لوحی است اگر تمام آنچه امروز در غزه اتفاق می‌افتد، تنها به فقراتی چند از عهد عتیق نسبت دهیم. بدیهی است کشتار صنعتی در چنین مقیاسی، تنها‌مستظهر به فقراتی چند از کتاب مقدس اتفاق نمی‌افتد اما کمیت که بتواند مگر اثر

هاوس، حزب‌الله را گروهی مقاوم خواندند که از بین‌رفتنی نیست. تحلیلگران این اندیشکده نوشتند: حزب‌الله نهادهی ریشه‌دار با شبکه اجتماعی، امکانات نظامی و پشتوانه منطقه‌ای است، بنابراین «غیرقابل خلع‌سلاح آسان» است و فروپاشی سریع آن محتمل نیست. این دید در مطالعاتی که بر ساختار اجتماعی و تدارکات حزب‌الله تأکید می‌کنند، بازتاب دارد.

گروه دیگری از تحلیلگران از اندیشکده «بنیاد قرن» معتقدند جنگ بلندمدت و حملات هدفمند، زیرساخت و نیروی انسانی حزب‌الله را تضعیف کرده و ممکن است ظرفیت بازدارندگی آن را پایین آورد اما هنوز فروپاشی کامل را محتمل نمی‌دانند.

شبکه خبری سی‌ان‌ان هم در همین راستا خاطرنشان کرد: «حزب‌الله پس از نصرالله همچنان به عنوان یکی از قدرتمندترین بازیگران غیردولتی خاورمیانه باقی خواهد ماند». مقاله تحلیلی سی‌ان‌ان تأکید می‌کند این گروه نه‌تنها بخشی از سیاست لبنان است، بلکه در موازنه قدرت منطقه‌ای نیز نقشی تعیین‌کننده دارد.

پلیتیکو نیز بیشتر بر نگاه سیاستمداران آمریکایی و اروپایی متمرکز شد و توضیح داد چرا حتی در محافل امنیتی غرب، سناریوی «پایان حزب‌الله» واقع‌بینانه تلقی نمی‌شود. گزارش این رسانه یادآور شد حزب‌الله اکنون بخشی از ساختار سیاسی – امنیتی لبنان است. تحلیلگر این رسانه در ادامه نوشت: «حتی دشمنان حزب‌الله نیز اذعان دارند این گروه به‌رغم از دست دادن رهبر خود، بسادگی خلع سلاح یا نابودشدنی نیست. اکونومیست هم بر پیامدهای سیاسی – اجتماعی شهادت نصرالله تمرکز و استدلال کرد حذف فیزیکی رهبر حزب‌الله نه‌تنها این گروه را از بین نبرده، بلکه روایت مقاومت را در منطقه تقویت کرده است: «شهادت نصرالله حزب‌الله را تضعیف نکرد، بلکه آن را در چشم هوادارانش به نهادهی ریشه‌دارتر و مقاوم‌تر تبدیل کرد.

رسانه‌های غربی عمدتاً نصرالله را به عنوان یک رهبر «پیچیده» و «کارآمد» روایت کردند: هم یک سیاست‌ورز محلی – ملی با شبکه حامسانی و پایه اجتماعی و هم یک فرمانده نظامی منطقه‌ای. رسانه‌ها و ستون‌نویسان صهیونیست که از این مساله بشدت نگران و ناراحت بودند، انتقادهای جدی به تمام رسانه‌های غربی وارد کردند؛ آنها این لحن را «سفیدشویی» یا «همدلی نامناسب» خواندند و هشدار دادند چنین پوششی پیامدهای امنیتی و رسانه‌ای دارد. صهیونیست‌ها با کمک ایالات متحده تلاش کردند عنوان کنند حزب‌الله نابود شده یا در ضعیف‌ترین حالت ممکن قرار دارد اما بیشتر اجماع تحلیلی در غرب این است: «حزب‌الله نابودشدنی نیست».

شورای آتلانتیک، چتم هاوس و چند اندیشکده غربی دیگر اما در کنار توصیف مهارت‌های سازمانی سیدحسین نصرالله، درباره پیامدهای فقدان او و گزینه‌های پیش روی حزب‌الله بحث کردند. تحلیلگران اندیشکده چتم

سیدحسین نصرالله

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۲۱

بین الملل

خبر

هوشدن در سازمان ملل

و سخنرانی او برای صندلی‌های خالی

نتانیاهو منفور جهان



بعدازظهر دیروز، همزمان با آغاز سخنرانی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مقر سازمان ملل، رهبران و سران کشورهای جهان او را هو کردند و سخنرانی او در دقایق اولیه با سروصدای زیاد حضار آغاز شد. پس از آن نیز تصاویر منتشر شده از سالن هنگام سخنرانی نتانیاهو نشان داد یخش زیادی از سالن را صندلی‌های خالی تشکیل داده است.

باراک راوید، خبرنگار صهیونیست وب‌سایت آکسیوس دیروز با انتشار تصویر خروج سران و رؤسای کشورهای جهان هنگام آغاز سخنرانی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد سالن مجمع عمومی سازمان ملل هم‌اکنون خالی است.

واکنش سران و نمایندگان دنیا در سازمان ملل بخوبی میزان نفرت عمومی از نتانیاهو را نشان می‌دهد. رژیم صهیونیستی به‌نخست‌وزیری نتانیاهو طی ۲ سال گذشته جنایت‌های بی‌پایمانی را در غزه انجام داد، به گونه‌ای که گزارشات مراکز و نهادهای بین‌المللی حاکی از نسل‌کشی این رژیم در غزه است. به همین خاطر، اقدام دیروز رهبران و نمایندگان کشورهای جهان در ترک محل سخنرانی نتانیاهو و هو کردن او نشان می‌دهد این رژیم تا چه اندازه در جهان منزوی شده و از آن مهم‌تر مورد نفرت است. اقدام نمایندگی ایران هنگام سخنرانی نتانیاهو نیز قابل تامل بود. نمایندگان ایرانی در حالی سالن را ترک کردند که تصویری از کودکان شهید شده در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان را در محل میز نمایندگی ایران قرار داده بودند. همین موضوع باعث شد هنگام طرح ادعاهای بی‌اساس نتانیاهو علیه ایران، دوربین‌ها چندین‌بار تصویر کودکان شهید ایرانی را نشان دهد که برخلاف ادعای نتانیاهو، نشان‌دهنده جنایات او و رژیم اشغالگر قدس در ایران است.

همزمان با سخنرانی نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل، شهروندان آمریکایی نیز در برابر ساختمان سازمان ملل تظاهرات گسترده برپا کردند. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات، با تأکید بر حمایت خود از مردم غزه، جنایات مستمر اشغالگران صهیونیست را محکوم کردند.

در حالی که صهیونیست‌ها نه در سطح الهیات و نه در سطح میدان، ابایی از کشتار زنان و کودکان نداشتند و ندارند و حتی به آن افتخار هم می‌کنند، سیدحسن به پیروی از نهی رسول اکرم که فرمود «هنی عن قتل النساء و الولدان فی دار الحرب الا ان یقاتلن فان قاتلتن ایضاً فامسک عنهما ما امکنک» تا حد امکان در تعیین معادله جنگ، جز در صورتی که دشمن معادله را تغییر نمی‌داد، سطح نبرد را تغییر نمی‌داد.

۲- صادق و صادق‌الودع

الهیات یهود، در رابطه با جنگ به صورت مشخص و پاره مهمی از موارد اهر روزمره، بسیار پراتیک است. ذیل این نگاه، دروغ و خدعه در جنگ نه‌تنها مذموم نیست که امری مدح‌وج شناخته می‌شود. حتی موسی بن‌یمون بحث‌های مفصلی در رابطه با مساله دروغ در جنگ و امکان پذیرن آن دارد. ناگفته پیداست امتداد این نگاه پراتیک به امر مذموم را در عهد عتیق نیز می‌توان یافت. در عهد عتیق، دروغ نه‌تنها در جنگ که حتی در پاره‌ای از مواقع، مانند داستان ابراهیم در سفر پیدایش یا کتاب سموئیل در زندگی روزمره نیز جاری است. در برابر چنین نگاهی، سیدحسین مستظهر به الهیات اخلاقی اسلامی، دروغ نمی‌گفت. سیدحسن در میان دشمنان و دوستانش به صداقت شهره بود و حتی ابایی نداشت در مواضع آسیب هم با صداقت تمام به آنها اعتراف کند. در آخرین سخنرانی‌اش پیش از شهادت، سیدحسین به صداقت تمام اعلام کرد: ماجرای انفجار پیجرها، یک آسیب بزرگ برای حزب‌الله لبنان بود.

۳- ملاحظه انسانی در برابر الهیات کین توز

سیدحسن ویژگی ممتاز دیگری نیز داشت؛ او بخوبی اهل درک ملاحظات بود. برخلاف الهیات کینه‌توز یهود که راه را برای هر عمل فاقد ملاحظه‌ای باز می‌گذارد، سیدحسین هرگز در جنگ دست از محاسبات عقلانی برنداشت. او بعد از جنگ ۳۳ روزه، وقتی در برابر این پرسش قرار گرفت که اگر می‌دانستی یهود جنگی در پیش خواهد بود، باز هم چنان عمل می‌کردی؟ او به صراحت پاسخ منفی داد. او بخوبی ملاحظات سیاسی و سرزمینی لبنان و کلیت مضامین جنگ را می‌چید و پیش می‌برد.

۴- الهیات فریب در برابر جنگ روانی

سیدحسن نصرالله سخنور قهار و استاد جنگ روانی بود؛ او به اندازه و دقیق اسرائیلی‌ها را تحقیر می‌کرد آنان را می‌ترسند، برای‌شان خط و نشان می‌کشید یا به آنان هشدار می‌داد. هر سخنرانی او برگی تازه روی میز اسرائیلی‌ها می‌گذاشت تا درباره آن تامل کنند اما او در عین تمام این تکنیک‌های جنگ روانی، بشدت اخلاق‌مدارانه، از فریب‌کاری رسانه‌ای گریزان بود. پرهیز سیدحسن نصرالله از فریبکاری، جایی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که مثلاً بداندیم خدعه و زیرک یکی دیگر از مضامین پرمناقشه در الهیات یهود است. در سفر پیدایش، یکی از پربحث‌ترین این مباحث، یعنی مباحث دست‌نشدن خدعه در راستای تحقق نفع یهود را در ماجرای یعقوب می‌توان دید.

سیدحسن در برابر ستون‌های آفرشته از اباحه نیرنگ، دروغ، کشتار و نسل‌کشی، یکی از برترین و اخلاقی‌ترین مکتب‌های جنگ در زمانه ما را شکل داده بود. مکتب جنگی که برگرفته از الهیات اسلامی، در کمال اخلاق، احتیاط و عقلانیت، به تناسب به دشمن ضربه وارد می‌کند و برای نیل به مقصود، اخلاقی را مانع خود نمی‌بیند.